

ارائه مدل برگشت‌پذیری سیاسی در برابر پیامدهای سیاسی ناشی از حملات تروریستی (مطالعه موردی حمله تروریستی به مجلس شورای اسلامی)

DOR: <https://dori.net/dor/20.1001.1.23453915.1402.12.1.9.3>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۴

مهدی نوری^۱، مجید گل‌پرور^{۲*}، بهناز اژدی^۳

۱- دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی و حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت، بافت، ایران

۲- استادیار، گروه علوم سیاسی و حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت، بافت، ایران

(majid_golparvar@yahoo.com)

۳- استادیار، گروه علوم سیاسی و حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت، بافت، ایران

چکیده

برگشت‌پذیری سیاسی به بررسی ظرفیت سازمان‌های سیاسی می‌پردازد تا بتوانند به رویدادهای داخلی و خارجی مانند جنگ، حملات تروریستی و غیره، واکنش مناسب نشان داده و با تغییرات و پیامدهای سیاسی ناشی از این قبیل رویدادها، سازگاری یابند. علیرغم مطالعات متعدد در حوزه مختلف برگشت‌پذیری، اما پژوهشی در حوزه برگشت‌پذیری سیاسی صورت نپذیرفته است. بر این اساس محققان این پژوهش سعی نمودند با توجه به تدوین شاخص‌های برگشت‌پذیری سیاسی سعی نمایند بر اساس تعیین روابط بین شاخص‌ها و انجام یک مطالعه موردی به تدوین مدل پردازند. هدف اصلی تحقیق تدوین مدل برگشت‌پذیری سیاسی در برابر پیامدهای ناشی از حملات تروریستی بر جامعه است. پرسش اصلی این تحقیق آن است که بر اساس شواهد، مستندات و داده‌های موجود مدل برگشت‌پذیری سیاسی در برابر حملات تروریستی دارای چه ویژگی‌هایی است؟ برای پاسخ به این پرسش محققان با توجه به شاخص‌های احصا شده در تحقیقات قبلی و با استفاده از روش تأثیر متقابل ۱ شاخص احصاء شده را در قالب پرسشنامه در اختیار جامعه خبرگان قرار دادند. سپس با توجه به دسته‌بندی شاخص‌ها در سه ظرفیت جذب، تطبیق و احیاء مدل اصلی تشکیل شد. در نهایت به منظور مطالعه مورد جامعه نمونه با استفاده از روش دسته‌بندی و تصادفی ساده ۴۸۳ نفر انتخاب و پرسشنامه در اختیار ایشان قرار گرفت. با توجه به تحلیل پرسشنامه میزان ظرفیت جذب ۳۹/۱٪، ظرفیت تطبیق ۳۵/۶٪ و ظرفیت احیاء ۲۵/۲٪ است.

واژه‌های کلیدی: مدل برگشت‌پذیری سیاسی، حملات تروریستی، حمله تروریستی به مجلس شورای اسلامی

۱۵۷

شماره ۲۳

بهار و تابستان ۱۴۰۲

دوفصلنامه

علمی و پژوهشی



ارائه مدل برگشت‌پذیری سیاسی در برابر پیامدهای سیاسی ناشی از حملات تروریستی (مطالعه موردی ... / مهدی نوری)

Presenting a Model of Political Resilience against the Political Consequences of Terrorist Attacks (Case Study of the Terrorist Attack on the Islamic Council)

Mehdi Nouri¹, Majid Golparvar^{2*}, Behnaz Azhdari³

1. Ph.D. Student of Political Science, Dept. of Political Science and Law, Faculty of Literature and Humanities, Baft Islamic Azad University, Baft, Iran

2. Assist. Prof., Dept. of Political Science and Law, Faculty of Literature and Humanities, Baft Islamic Azad University, Baft, Iran
(Mehdi.Mirzaei.ind@gmail.com)

3. Assist. Prof., Dept. of Political Science and Law, Faculty of Literature and Humanities, Baft Islamic Azad University, Baft, Iran

Abstract

Political reversibility examines the capacity of political organizations to be able to respond appropriately to internal and external events such as war, terrorist attacks, etc. and adapt to changes and political consequences resulting from such events. Despite numerous studies in the field of reversibility, no research has been done in the field of political reversibility. Therefore, the researchers of this research tried to develop a model based on determining the relationships between the indicators and conducting a case study. The main goal of the research is to develop a political reversibility model against the consequences of terrorist attacks on the society. The main question of this research is that based on the available evidence, documentation and data, what are the characteristics of the model of political reversibility against terrorist attacks? In order to answer this question, according to the indicators calculated in previous researches and using the mutual influence method, the researchers provided the calculated indicators in the form of a questionnaire to the community of experts. Then, according to the classification of indicators in the three capacities of absorption, adaptation and revitalization, the main model was formed. Finally, in order to study the case of the sample population, 483 people were selected using simple random classification method and a questionnaire was provided to them. According to the analysis of the questionnaire, the absorption capacity is 39.1%, the adaptation capacity is 35.6%, and the regeneration capacity is 25.2%.

Keywords: Political Reversibility Model, Terrorist Attacks, Terrorist Attack on the Islamic Council.

۱- مقدمه

برگشت‌پذیری مفهومی جدید در حوزه‌های مختلف علم است که حدود سه دهه است مورد استفاده محافل علمی قرار گرفته است. در جامعه علمی، اجتماعی وجود دارد مبنی بر اینکه برگشت‌پذیری، مفهومی چندجانبه و دارای ابعاد اجتماعی، اقتصادی، نهادی و کالبدی است. مفهوم برگشت‌پذیری در بعد اجتماعی شامل تفاوت ظرفیت اجتماعی در واکنش مثبت نشان دادن، انطباق با تغییرات و حفظ رفتار سازگارانه و بازبایی یافتن از حوادث بوده و با در نظر گرفتن متغیرهای اقتصادی، جمعیت‌شناسی و سازمانی مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ اما هیچ ردپایی از متغیر سیاسی در بعد اجتماعی دیده نمی‌شود. بر این مبنا در حوادث ایجادی در جامعه که پیامدهای سیاسی برای آن می‌توان متصور بود هیچ بررسی علمی در خصوص سنجش برگشت‌پذیری سیاسی جامعه صورت نپذیرفته است [۱].

به‌طور کلی برگشت‌پذیری سیاسی به بررسی ظرفیت سازمان‌های سیاسی می‌پردازد تا بتواند به رویدادهای داخلی و خارجی مانند جریان‌های بزرگ مهاجرت، جنگ، حملات تروریستی، بحران مالی، تغییرات سریع جمعیت، تغییر محیط‌زیست و غیره، واکنش مناسب نشان داده و با تغییرات و پیامدهای سیاسی ناشی از این قبیل رویدادها، سازگاری یابد [۲]. هرچند که در برخی از منابع (به‌صورت محدود) به برگشت‌پذیری سیاسی اشاره شده و تعریفی از آن ارائه شده است، اما در خصوص تدوین یک مدل جامع و منسجم به منظور بررسی برگشت‌پذیری سیاسی اشاره نشده است.

امروزه یکی از عمده‌ترین مسائلی که صلح و امنیت بین‌المللی و بالطبع امنیت کشور ما را تهدید می‌کند، مسئله تروریسم است. تروریسم پدیده‌ای است که تفاوتی بین افراد نظامی و غیرنظامی قائل نمی‌شود بلکه اکثر اوقات با

استفاده از کشتار غیرنظامیان می‌خواهد به اهداف سیاسی و ناعادلانه خود دست یابد. بی‌شک هر پدیده‌ای دارای تأثیر و پیامدهایی است. هر حادثه ای می‌تواند منجر به دامنه وسیعی از پیامدها شود که شامل پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... است [۳]. مطالعه در زمینه پیامدهای سیاسی ناشی از حملات تروریستی کمتر از حد نیاز صورت گرفته و آنچه هم‌اکنون در محافل علمی مطرح است شامل علل و عوامل وقوع پدیده تروریسم و یا مبارزه با سازمان‌ها و گروه‌های تروریستی است. موضوع اصلی در بررسی برگشت‌پذیری سیاسی این پیامدها است، موضوعی که تاکنون به‌طور دقیق بدان پرداخته نشده است.

جمهوری اسلامی ایران از زمان پیروزی انقلاب شاهد حملات تروریستی از طرف گروه‌های مخالف و معارض بوده است، اما جدیدترین این حملات که بازتاب گسترده‌ای در داخل و خارج کشور داشته، مربوط به حمله تروریستی به ساختمان مجلس شورای اسلامی در ۱۷ خرداد سال ۱۳۹۶ است. این حمله تروریستی علاوه بر تلفات (۱۷ شهید)، دارای پیامدهای گسترده سیاسی و اجتماعی به دلیل ویژگی‌های آن بود. این حملات نخستین حمله گروه داعش در خاک ایران بود، از طرفی اولین حمله تروریستی در تهران در بیش از یک دهه و همین‌طور نخستین حمله بزرگ در ایران از زمان بمب‌گذاری سال ۱۳۸۹ در زاهدان محسوب می‌شد.

حمله تروریستی به مجلس شورای اسلامی، اولین حمله داعش به خاک ایران بود که عوامل داعش در دو اقدام تروریستی جداگانه ساختمان مجلس شورای اسلامی و حرم بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران را هدف قرار دادند؛ در این حمله سه نفر از عوامل داعش با کلاشینکف و اسلحه کمربندی از ورودی مراجعات مردمی وارد ساختمان مجلس شدند که با به رگبار بستن مراجعین مجلس امکان ورود به ساختمان مجلس

را پیدا کردند.

با بررسی حادثه تروریستی در مجلس شورای اسلامی می‌توان گفت بیشترین پیامدهای این‌گونه اقدامات مربوط به پیامدهای سیاسی است و اقدامات انجام‌شده نیز متناسب با آن و در راستای کاهش پیامدهای سیاسی است.

بررسی برگشت‌پذیری سیاسی جامعه در برابر پیامدهای حوادث تروریستی بر اساس یک مدل تدوین‌شده، مسئله اصلی این تحقیق است که ضمن ارائه یک مدل مناسب برای تحلیل برگشت‌پذیری سیاسی در برابر پیامدهای حوادث تروریستی به بررسی آن در جامعه انتخاباتی می‌پردازد.

۲- مبانی و چارچوب نظری

۲-۱- مدل برگشت‌پذیری

در این تحقیق مدل برگشت‌پذیری به‌عنوان مبانی نظری تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است. به‌طور کلی دو رویکرد اصلی در برگشت‌پذیری شامل رویکردهای کنش‌گر و کنش‌پذیر وجود دارد. در این ارتباط کلین معتقد است که جامعه متکی به برگشت‌پذیری واکنش‌پذیر، با استحکام بخشیدن به وضع موجود و مقاوم کردن سیستم در برابر خطرات به سمت آینده پیش می‌رود؛ در حالی که جامعه‌ای با برگشت‌پذیری کنش‌گرایانه در تلاش برای ایجاد سیستمی است که یارای سازگاری با شرایط جدید را دارد [۴]. از این دو رویکرد چنین برمی‌آید که رویکرد کنشگر به کاهش در معرض قرار گرفتن احتمال خطرپذیری و رویکرد کنش‌پذیر به گردآوری سرمایه و دارایی، تسهیل راهبردها و معیشت‌های سازگاری و تطابق‌پذیری اشاره دارد. نگاه‌ها و استراتژی‌های مدیریت بحران، در حال رشد و تکامل است. همان‌طور که در ادامه خواهد آمد، نگاه به مدیریت آسیب‌های بحران، نمی‌تواند رویکرد کاملی برای مقابله با

چالش‌های بحران باشد و به همین منظور، امروزه بر برگشت‌پذیری جوامع که مفهومی غنی‌تر و دربردارنده راهکارهای اثربخش‌تری است، تأکید می‌شود.

در این تغییر و تکامل دیدگاه نسبت به مدیریت بحران، نگاه دولت‌گرا و تمرکزگرا که سعی دارد به تدوین و پیاده‌سازی راهبردها از بالا به پایین اقدام کند، جای خود را به نگاه اجتماع‌محور و متکی بر جلب مشارکت‌های مردمی و اجتماعی داده است. رویکرد از بالا به پایین ضمن اینکه در خود هزینه‌های زیادی را به دولت و جامعه تحمیل می‌کند، از اثربخشی کافی نیز برخوردار نیست؛ لذا باید ضمن برنامه‌ریزی متمرکز برای مقابله با ریسک‌های بحران، رویکردهای از پایین به بالا نیز به‌طور جدی در دستور کار قرار گیرد [۵].

۲-۲- ظرفیت‌های برگشت‌پذیری

تعاریف ارائه‌شده از برگشت‌پذیری، ذات تغییر وضعیت را در خود دارد که شامل تعدیل آثار نامطلوب، تطبیق با تغییر یا بهبود از آن است. بسیاری از تعاریف ارائه‌شده، بر سرعت بهبود تأکید می‌کند. تعداد اندکی نیز بر تعدیل آسان تأکید می‌کند زیرا تعدیل و تطبیق آسان، منابع کمتری را برای فراگرد بهبود می‌طلبد و از این نظر زمان و هزینه کمتری صرف می‌شود.

در صورتی که جامعه را همانند یک سیستم فرض نماییم و سیستم را مجموعه‌ای از واحدهای مرتبط که یک کل را تشکیل می‌دهد و دارای هدف جمعی و قابل‌سنجش می‌باشند، لذا برگشت‌پذیری سیستم به شوک (رویداد اختلال‌زا) عبارت است از؛ توانایی سیستم در کاهش شدت و مدت انحراف از سطوح عملکردی هدف‌گذار و بهبود سریع. شوک می‌تواند سیستم را در وضعیت دیگر قرار دهد که معمولاً شرایط نامطلوب است.

۱۵۹

شماره ۲۳

بهار و تابستان ۱۴۰۲
دوفصلنامه

علمی و پژوهشی



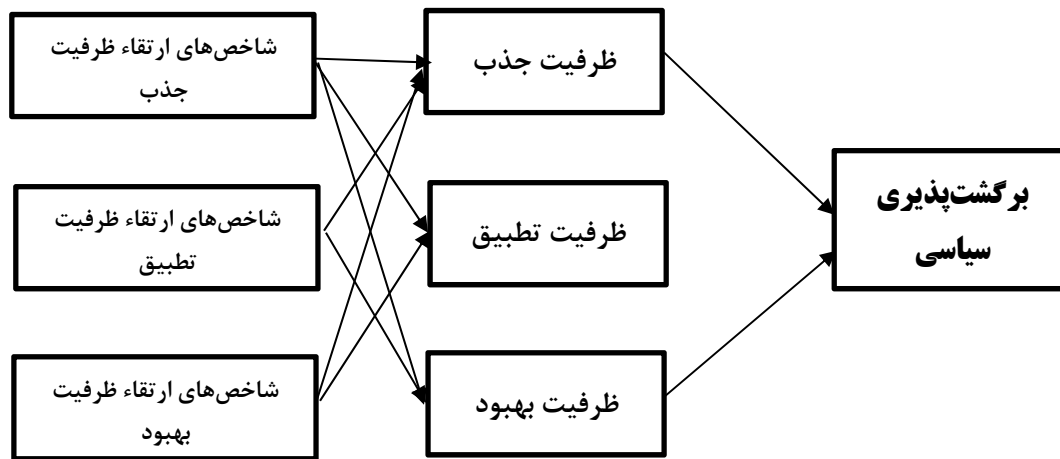
در این تعریف، برگشت پذیری ترکیبی از اثر شوک، زمان و هزینه مورد نیاز سیستم برای بهبود است. به منظور درک بهتر تعریف به تشریح تعاریف آن می پردازیم.

شوک، یک رویداد ناگهانی غیرمنتظره است که اختلال را برده و باعث بی ثباتی می شود. شوک های مختلف یک سیستم را به طرق متفاوتی تحت تأثیر قرار می دهد و لذا، فراگردهای بهبود متفاوتی دارند؛ بنابراین، یک سیستم ممکن است نسبت به شوک های مختلف، سطوح متفاوتی از برگشت پذیری داشته باشد. کارایی، به معنی استفاده از کمترین مقدار ممکن منابع در فراگرد بهبود است و بسته به اینکه در چه حوزه ای بحث می کنیم، منابع می تواند به صورت وجوه نقد، ساعات کاری، دارایی، زیرساخت یا زمان باشد.

عملکرد سیستم، سطح فعالیت یا محصول سیستم قبل از وقوع شوک است. با فرض انعطاف پذیری بسیاری از سیستم ها برای تعدیل و تغییر نسبت به شوک، حفظ ساختار سیستم به میزان عملکرد سیستم دارای اهمیت نیست. برای مثال، شوک ممکن است ساختار عملیاتی سیستم (سیستم اقتصادی) را تغییر دهد (مثل ساختار بازار یا سطح مبادلات کالاها) ولی اگر سطوح عملکردی مطلوب (برای تولید ناخالص داخلی و بیکاری) حفظ شود، تغییر ساختار بی اهمیت است. سیستم ها با ظرفیت تطبیقی و ظرفیت بازگشتی بالا ممکن است از طریق تغییر ساختار به سطوح عملکردی هدف دست یابند. سطح عملکرد هدف سیستم، همان مقیاس کمی برای رفتار سیستم حین و پس از شوک است و به سادگی می توان سطح عملکردی سیستم قبل از

شوک را به عنوان سطح عملکردی هدف در نظر گرفت یا آنکه بسته به شرایط، تغییراتی را در آن با توجه به شوک ایجاد کرد.

بخشی از برگشت پذیری سیستم به ویژگی های ذاتی سیستم بستگی دارد که تحت عنوان ۳ ظرفیت یا ۳ ویژگی تعریف می شود. ظرفیت جذب که توانایی سیستم برای جذب شوک یا رویداد اختلال زا است، ظرفیت تطبیق که توانایی تطبیق با شوک است و ظرفیت بهبود که توانایی سیستم برای بهبود است. برگشت پذیری بهتر سیستم از طریق تقویت ویژگی های برگشت پذیری امکان پذیر است به این معنی که یک یا چند ویژگی (ظرفیت های فوق الذکر) تقویت شود. بر اساس نظر خاتم تد لوئیس برخی ویژگی های ذاتی بر برگشت پذیری اثر دارد؛ بنابراین، یک چارچوب کیفی برای توضیح نتایج بخش کمی یا مواقعی که داده ای برای تحلیل کمی در دسترس نیست، نیاز است. چنین چارچوب مفهومی از طریق ساختار و ویژگی های سیستم ها (سازمان ها) قابل ایجاد است. ویژگی های ذاتی که برگشت پذیری را افزایش می دهد، نیاز کمتری به اثر سیستمیک و تلاش برای بهبود کامل دارد. برای ایجاد این چارچوب مفهومی که خود جزئی از ساختار مفهومی برگشت پذیری است، از سه ظرفیت استفاده شده است تا چگونگی تعیین برگشت پذیری از طریق ویژگی های ذاتی مشخص شود. سه ظرفیت مذکور عبارتند از: ظرفیت جذب، ظرفیت تطبیق و ظرفیت احیا. بر همین اساس مبنای نظری به کاررفته در این تحقیق مبتنی بر نظر خانم تد لوئیس است.



شکل ۱- مدل مفهومی مبانی نظری تحقیق

۲-۳- روش انتگرال

چارچوب نظری بکار رفته در این تحقیق بر اساس روش انتگرال است. از نظر ویلبر، انتگرال؛ واژه‌ای به معنای یکپارچه کردن و ادغام، کنار هم آوردن، پیوند دادن، متصل کردن و در بر گرفتن است. نه به صورت هم‌شکل کردن و نه به صورت یکسان‌سازی همه تفاوت‌ها، رنگ‌ها و پیچ‌وخم‌های شگفت‌انگیز رنگین کمان رنگارنگ انسانی، بلکه به صورت یگانگی-در-چندگانگی، مشترکات در کنار تفاوت‌های شگفت‌انگیز و نه تنها در بین انسان‌ها بلکه در کل کیهان: یافتن دیدگاهی جامع‌تر (نظریه‌ای برای همه چیز) که فضای مشترک مورد قبولی برای هنر، اخلاق، علم و دین ایجاد نماید و تلاشی صرف برای فرو کاستن همه این‌ها به برش موردعلاقه کسی از کیک هستی نباشد.

تکثرگرایی روش‌شناختی انتگرال مدعی وجود هشت روش، پارادایم یا قلمرو بنیادی تقرر و تحقق پدیده‌هاست. درمجموع این هشت روش تحت عنوان چارک‌ها شناخته می‌شوند که چهار وجه غیرقابل فرو کاستن هر موقعیت را نشان می‌دهد. چارک‌ها در کنارهم نشان‌دهنده ساحت‌های درونی و بیرونی فردی و جمعی است. در هر نظام زبانی، این ساحت‌ها در ضمائر بکار گرفته شده اول، دوم و سوم شخص متجلی می‌شود. «من»

به ساحت درونی ذهنی یا حوزه‌ی ارادی، «ما/ شما» به ساحت درونی بینا ذهنی یا حوزه فرهنگی، «آن» به ساحت بیرونی عینی یا حوزه رفتاری و «آنها» به ساحت بیرونی بینا عینی یا حوزه اجتماعی اشاره دارد [۶].

با توجه به موضوع تحقیق و رویکرد روش‌شناختی انتگرال به تروریسم از جانب فرد در چارک ارتباط یابی آن با سطوح مختلف اجتماع، به شیوه‌ای پیوسته، رصد کنیم و ذیل چنین رویکردی، به بررسی نسبت برقرار میان ویژگی‌های فردی و مناسبات اجتماعی در توجه روان‌شناختی به تروریسم بپردازیم. به این ترتیب، به گونه‌ای ساختاری، جریان گسترش یابی نقاط تلاقی تروریسم با حوزه عمومی را در این چارک مطالعه خواهیم کرد. برای انجام این مهم طی چهار فراز مجزا هر بار چارک دیگری از تلاقی تروریسم و اجتماع را دنبال و بررسی کنیم. این چهار چارک به‌قرار زیر هستند:

چارک نخست، مطالعه فرد تروریست (بررسی تروریسم در پایه‌ای‌ترین واحد مطالعه‌ای آن یعنی فرد تروریست)؛

چارک دوم، مطالعه فرد تروریست در دل گروه تروریستی مشارکت‌کننده در آن (بررسی تروریسم در دل موقعیت اجتماعی محدود و معمولاً انزوا طلبانه گروه تروریستی که فضای نیمه عمومی

ویژه‌ای را سبب شده است و جریان پیوسته جامعه‌پذیری ویژه‌ای را برای اعضای گروه تروریستی نتیجه بخشیده است.

چارک سوم، مطالعه جامعه حامی تروریسم (بررسی تروریسم در بخشی از فضای عمومی که معمولاً حائز شناسه هویتی ویژه‌ای مانند قومیت، مذهب یا موقعیتی خاص است و به صورت توهمی یا واقعی به مثابه عرصه عمومی فراهم آورنده حمایت یا همدلی با گروه تروریست و فرد تروریست عمل کرده است.

چارک چهارم، مطالعه «جامعه قربانی تروریسم» (بررسی تروریسم در بالاترین سطح اجتماعی تأثیرگذاری بر رفتارهای تروریستی یا تأثیرپذیری از آن در عرصه عمومی و حوزه فراگیر جامعه). در شکل شماره ۲ مدل مفهومی بررسی چارک ارائه شده است [۷].

۲-۴- تروریسم

پدیده تروریسم در جهان امروز در حال گسترش است. این پدیده مخصوصاً از آغاز ربع قرن بیستم میلادی به شدت فراگیر شده است؛ بر اساس آمارها در فاصله سال‌های ۱۹۶۸ و ۱۹۸۲ تقریباً ۸۰۰۰ اقدام تروریستی به ثبت رسیده است که نرخ سالانه وقوع اقدامات تروریستی بین ۵۸۰ تا ۶۰۰ در نوسان بوده است که حدوداً به رقم دو عملیات در هرروز می‌رسد. این اقدامات عمدتاً در ایالات متحده و کشورهای اروپای غربی متمرکز بوده است. آمار دیگر نشان می‌دهد که از زمان حمله به سفارت ایالات متحده در بیروت در آوریل سال ۱۹۸۳، حدود ۱۸۸ حمله تروریستی صرفاً انتحاری جداگانه در سراسر جهان، در لبنان، سری‌لانکا، هند، پاکستان، افغانستان، یمن، ترکیه، روسیه و ایالات متحده اتفاق افتاده است.

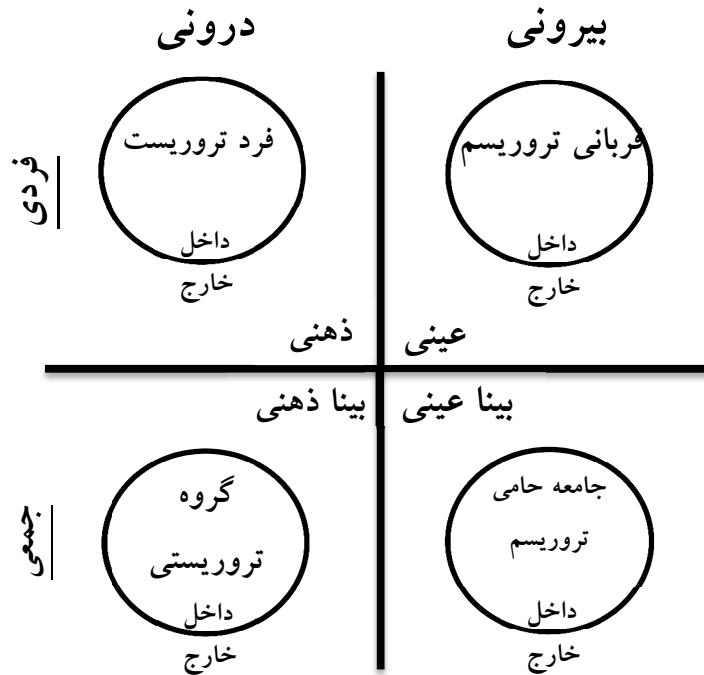
در هرکدام از ۱۸۸ مورد حمله تروریستی انتحاری از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۱ به‌طور میانگین

۱۳ نفر کشته شدند (بدون احتساب کشته‌هایی که به‌طور بی‌سابقه در حادثه ۱۱ سپتامبر کشته شدند و همچنین بدون احتساب حمله‌کنندگان در همین دوره)، به‌طور کلی حدود ۴۱۵۵ مورد رویداد تروریستی در سراسر دنیا اتفاق افتاده است و در طی آن‌ها ۳۲۰۷ نفر کشته شده‌اند. از سال ۱۹۸۰ میلادی تا ۲۰۰۱ میلادی، حملات انتحاری ۳ درصد کل حملات تروریستی و درعین حال ۴۸ درصد کل کشته‌های تروریستی را شامل بوده است [۸].

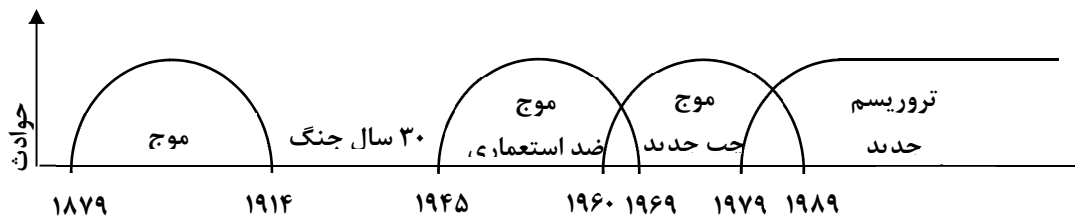
بی‌شک نمی‌توان هیچ تعریفی از تروریسم به دست داد که جامع همه‌ی انواع گوناگون این پدیده را در طول تاریخ در برگیرد؛ اما با این حال منظور از گروه‌های تروریستی در این پژوهش، جنبش‌ها یا سازمان‌هایی هستند که خشونت سیستماتیک حربه‌ی اصلی‌شان بوده است. بر همین اساس تروریسم تاکتیکی است حساب شده که انگیزه‌های سیاسی برانگیخته شده و از زور یا خشونت - علیه حکومت‌ها، مردم یا افراد - استفاده می‌کند و تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی نقش اصلی را در آن ایفا می‌کند [۹].

۲-۵- چهار موج تروریسم مدرن

تروریسم مدرن را به چهار موج تقسیم کرده‌اند (شکل شماره ۳). اولین موج که به موج آنارشویی معروف است، در دهه‌ی ۱۸۸۰ شروع شد و به مدت چهل سال ادامه پیدا کرد. به دنبال آن و در دهه ۱۹۲۰، موج ضد استعماری شروع شد و عمدتاً در دهه‌ی ۱۹۶۰ از بین رفت. اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰، موج چپ جدید متولد شد و تقریباً تا دهه‌ی ۱۹۹۰ به صورت لجام‌گسیخته‌ای ادامه یافت و هنوز هم در بعضی از کشورها از قبیل سریلانکا، اسپانیا، پرو و کلمبیا گروه‌هایی از آن فعال می‌باشند. چهارمین موج یا موج مذهبی از اواخر دهه ۱۹۷۰ شروع شد و اگر دنباله‌ای از



شکل ۲- مدل مفهومی چارچوب نظری تحقیق [۱۴]



شکل ۳- چهار موج تروریسم مدرن

شیوه‌ای نظامی و مسلحانه با کنترل سیاسی و مدیریتی حسابگرانه که با استفاده از برنامه‌ریزی کاملاً دقیق به اقداماتی می‌پردازد که نهایتاً آنان را در رسیدن به اهدافشان یاری کند. در حقیقت، همان‌گونه که شناسایی جنگ به‌عنوان یک اقدام و عمل سیاسی باعث می‌شود که آن را یک پدیده واقعی و یک امکان از میان امکان‌های مختلف برای رسیدن به اهداف سیاسی شناخت، شناسایی تروریسم به‌عنوان یک اقدام و عمل سیاسی نیز کمک می‌کند که آن را به‌عنوان یک پدیده واقعی و یک امکان از میان امکان‌های موجود برای رسیدن به قدرت پنداشت [۱۱].

امواج قبلی در نظر گرفته شود، هنوز هم ادامه دارد. این چهار تشابهات زیادی با یکدیگر دارند؛ اما لزوماً یکسان نمی‌باشند. هر یک در محل متفاوتی شروع شده و سایر گروه‌های شورشی را نیز درگیر کرده‌اند. علاوه بر این، اغلب از اهداف و تاکتیک‌هایی استفاده می‌کنند که آن‌ها را از موج‌های دیگر متمایز می‌سازد [۱۰].

آنچه در مباحث مربوط به تروریسم بیش از سایر موارد کمیاب و نادر است، این است که کمتر به تروریسم به‌عنوان یک استراتژی پرداخته شده است. در واقع تروریسم را باید گونه‌ای استراتژی برای رسیدن به اهداف سیاسی خاص برشمرد؛

والتر لاکوئر معتقد است، تروریسم را باید استراتژی‌ای دانست که از ترس عمومی به‌عنوان عنصری در راستای رسیدن به اهداف سیاسی استفاده می‌کند؛ یعنی استفاده از اقدامات مسلحانه وحشت‌آفرین برای تأثیر گذاردن بر رفتارهای سیاسی یک گروه مشخص. تحرکات تروریستی، جنگی نامتقارن و ناموزون است و بدون شک توان و قدرت نظامی آن‌ها به‌مراتب از قدرت و توان نظامی دولت حاکم کمتر است، آن‌ها به‌هیچ‌روی بر قدرت نظامی خود تکیه ندارد بلکه هدف آن‌ها استفاده از توان فکری و مدیریتی و یا نیروی اراده مردم است. استراتژی تروریسم به امید برانگیختن اراده مردمی به منظور دستیابی به هدف و رسیدن به قدرت هستند. نکته مهم و اساسی در مقابله با تهدیدات امنیتی گروه‌های تروریستی باید بر اساس همین محور طراحی شود. باید توان فکری مردم در مقابله با تحرکات تروریستی را تقویت کرد و رسیدن به این هدف مستلزم برنامه‌ریزی بلندمدت است؛ برنامه‌ریزی که بتواند اعتماد عمومی به دولت و همچنین اعتماد نظام حاکم به مردم در تمامی زمان‌ها و علی‌الخصوص در لحظات بحرانی را فراهم کند.

اگر گروه تروریستی از خشونت و یک امر موهن و غیرقابل تحمل به لحاظ احساساتی استفاده می‌کند، هدف ایجاد ترس و وحشت در میان مردم است و سپس در مرحله بعد منتظر پاسخ دولت و عوامل دواتی به این اقدام می‌نشیند. هدف در این مرحله به قضاوت کشیدن ذهن و فکر توده‌های مردم است یعنی ضمن غبارآلود کردن فضا، قضاوت‌های اخلاقی و ارزشی مردم و حتی نخبگان سیاسی را برمی‌انگیزند؛ بنابراین، در این مرحله نحوه پاسخگویی نظام حاکم به اقدامات مسلحانه تروریستی و احتمالاً اشتباهاتی که در پاسخگویی به وجود خواهد آمد، دستاویز لازم برای تروریست‌ها را مهیا خواهد ساخت که در ذهن مردم یک علامت سؤال را برای انتقال

مشروعیت از نظام حاکم به گروه مقابله‌کننده بکار می‌گیرند. خصوصاً این‌که گروه‌های تروریستی در ذهن مردم نسبت به دولت گروه ضعیف‌تر به لحاظ قدرت هستند و می‌توانند در موضع مظلومیت قرار گیرند. اگر این اتفاق بیافتد دیگر گروه مقابله‌کننده تروریست نیست بلکه مبارزه راه آزادی خواهد بود. در این صحنه پیش‌آمده در حقیقت طرفین می‌توانند یکی از این دو باشند؛ آزادی‌خواه و یا تروریست و دیگری سرکوبگر و ظالم و یا نظام مشروع و ضد تروریست. در نتیجه استراتژی تروریسم را می‌توان یک استراتژی سه مرحله‌ای دانست و موفقیت در هر مرحله، آغاز مرحله بعد را به دنبال خواهد داشت، همه استراتژی تروریسم به چالش کشیدن مشروعیت نظام حاکم است [۱۲].

۲-۶- مدل و کاربرد آن در علوم اجتماعی

مدل، از ریشه لاتینی Modus به معنای اندازه گرفته شده است. مدل همچنین به ما کمک می‌کند که به متن و درون پدیده‌هایی که نمی‌توانیم مستقیماً آن‌ها را ببینیم هدایت شویم. مدل جزئی کوچک یا بازسازی کوچکی از یک شیء بزرگ است که از لحاظ کارکرد با شیء واقعی یکسان است [۱۳]. در دیدگاه رایج، مفهوم «مدل» در علوم اجتماعی، همان نظریه فرمول بندی شده است؛ یعنی مجموعه‌ای منسجم از قضاها که روابط بین مفاهیم گوناگون را بیان می‌کند و از آزمون تجربی سربلند بیرون آمده است. هرگاه گزاره‌ها به اصطلاحات نمادین برگردانده شوند، گاه آن را مدل نظری هم می‌گویند. هرگاه گزاره‌ها به اصطلاحات نمادین برگردانده شوند، می‌توان آن را مدل ریاضی نامید. همین‌طور، گاه مفهوم نظریه با یک چشم‌انداز خاص (یک پارادایم) مترادف گرفته می‌شود، مانند نظریه تضاد یا نظریه اجماع که به تعبیری نظیر «چشم انداز نظری» یا «مدل کلی» می‌انجامند. شاید

بهتر آن باشد که چنین چشم‌اندازهایی را به‌عنوان فرا نظریه‌هایی در نظر بگیریم که شاید اصول و پیش‌فرض‌هایی هستند که گزاره‌های یک نظریه مبتنی بر آن‌ها هستند [۱۴].

به‌طور کلی قاعده و قانون ثابتی برای ساخت مدل وجود ندارد. بسته به نوع مدل، ساخت و کنترل آن متفاوت است [۱۵]. مدل‌های نظری به‌وسیله آزمون و خطا طراحی می‌شوند [۱۶]. ساخت مدل‌های فیزیکی به نظر می‌رسد که ساده است؛ زیرا در ساخت آن‌ها از بافت‌های آزمایشی رایج استفاده می‌شود. در حالی که در مورد مدل‌های ذهنی چنین نیست. افراد گوناگونی سعی در تبیین مراحل مدل‌سازی این‌گونه مدل‌ها داشته‌اند که به نتایج متفاوت و گاه متناقضی دست یافته‌اند [۱۷].

پرسشی که هنگام ساخت مدل باید به آن پاسخ داد، این است که آیا مدل تمامی اجزای سیستم واقعی را دارد یا نه و اینکه این اجزا نشان‌گر واقعیات موجود است یا خیر. برای مدل‌سازی ابتدا باید متغیرهای موجود در مسئله را شناسایی و سپس اثرگذاری این متغیرها بر هم و ارتباط آن‌ها را به دست آورد. در مرحله بعد باید کوشید تا روابط بین متغیرها را به‌صورت مدل خاصی نشان داد و الگویی یافت که این متغیرها و ارتباط آن‌ها را به‌درستی نشان دهد [۱۸]. برای ساخت مدل اصولی را می‌بایست مدنظر قرار داد. این اصول عبارت‌اند از:

اصل اول: مدل باید بهینه باشد. اگر مدل بهینه نباشد تیم به بیراهه می‌رود. مطلب دیگر اینکه مدل‌سازی کاری گروهی است؛ یعنی افرادی با تخصص‌های مختلف باید در مدل‌سازی همکاری کنند؛ زیرا هر کس از نظر تخصص خودش به مدل نگاه می‌کند. مثلاً طراح با یک دید و مدیر بانک‌های اطلاعاتی با دید دیگر و ... به مدل نگاه می‌کنند و این باعث می‌شود که مدل به

سمت بهینه شدن حرکت کند.

اصل دوم: مدل را از زوایای مختلف مشاهده کنید. نگاه کردن به مدل از زوایای مختلف پاسخ به دو پرسش است What, How.

What: چه کاری باید انجام گیرد؟

How: چگونه باید انجام داد؟

با توجه به کارکردهای مدل می‌توان پایه‌ای برای ارزیابی آن‌ها ایجاد نمود. بدین ترتیب با سؤالات زیر می‌توان یک مدل را ارزیابی نمود:

۱- مدل تا چه اندازه واقعی است؟ تا چه اندازه می‌توانیم به آن به‌عنوان نمایشی از واقعیت تکیه کنیم.

۲- مدل تا چه اندازه سودمند یا اکتشافی است؟ چقدر در کشف روابط واقعیت‌ها یا روش‌های جدید مفید است؟

۳- سادگی و اقتصاد ابزارها و صرفه‌جویی مدل چقدر است [۱۹]؟

۲- روش‌شناسی تحقیق

۳-۱- روش تحقیق بر اساس ابزار گردآوری داده‌ها

به‌منظور گردآوری داده‌های مورد نیاز از هر دو روش اسنادی کتابخانه‌ای برای چارچوب نظری و میدانی برای دستیابی به مدل‌بندی برگشت‌پذیری سیاسی استفاده‌شده بدین معنی که با مراجعه به منابع اطلاعاتی و مستندات مرتبط مکتوب از قبیل اسناد، مدارک، کتب، مقالات، نشریات و غیره به تدوین مبانی نظری و طراحی سؤالات پرداخته‌شده و همچنین از روش‌های آنتگرال به‌منظور شناسایی مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدل استفاده‌شده است، به‌منظور تعیین شاخص‌های مدل‌بندی پس از تعیین مدل پژوهش، آن‌ها را در قالب یک پرسشنامه در اختیار افراد انتخاب‌شده که در موضوع متخصص هستند، قرار می‌گیرد. مراحل اجرایی پژوهش شامل انتخاب کارشناسان، تنظیم

۱۶۵

شماره ۲۳

بهار و تابستان ۱۴۰۲

دوفصلنامه

علمی و پژوهشی



رأیه مدل برگشت‌پذیری سیاسی در برابر پیامدهای سیاسی ناشی از حملات تروریستی (مطالعه موردی ... / مهدی نوری

سؤالات، تحلیل، تکرار و نتیجه‌گیری است، در مرحله‌ی مدل‌سازی تلاش شده است تا از نظرها و دیدگاه‌های خبرگان، استادان و متخصصان آگاه در زمینه سیاسی و برگشت‌پذیری استفاده شود.

در مرحله اول یعنی شناسایی شاخص‌های مدل که با استفاده از مرور منابع صورت می‌پذیرد. برای طراحی سؤالات با مراجعه به ادبیات حوزه برگشت‌پذیری و سیاسی مشاهده شد که مدلی جامع از پیامدهای سیاسی در حوزه برگشت‌پذیری سیاسی در کلیه مراحل آن و با رویکرد نیاز مخاطب وجود ندارد. بر همین اساس با استفاده از مبانی و چارچوب نظری تحقیق و شاخص‌های احصاء شده پرسشنامه‌ای برای مراجعه به آراء خبرگان تهیه شد.

در بخش دوم پرسشنامه به‌منظور تعیین روابط میان شاخص‌های مدل و همچنین تعیین اهمیت هر یک از آن‌ها، در ابتدا از پاسخ‌دهندگان خواسته شد تا وابستگی و تعاملات میان معیارها و زیر معیارها را در جدولی که بدین منظور تهیه شد تعیین نمایند.

با دو دور رفت و برگشت پرسشنامه اجماع بین نظرها صورت گرفت و در نهایت مدل تحقیق تدوین شد. در مرحله بعد با استفاده از روش تحلیل عاملی شاخص‌های احصاء شده در قالب پرسشنامه دسته‌بندی می‌شود.

در نهایت داده‌های پرسشنامه‌های تحلیل اثر متقابل نیز که به‌منظور تعیین اهمیت و اولویت مؤلفه‌ها و شاخص‌های نهایی شده از اعضا گروه استخراج می‌شود.

۳-۲- جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

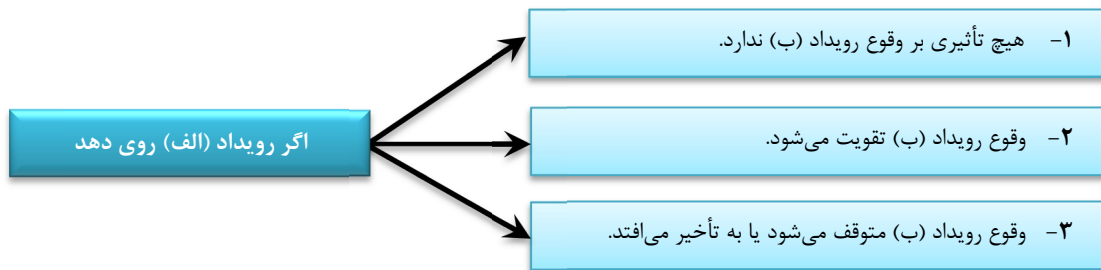
با توجه به موضوع پژوهش، پژوهشگر به دنبال نمونه‌هایی است که بتوانند به نحو احسن به سؤال‌های او پاسخ دهند تا از طریق تجزیه و تحلیل

و طبقه‌بندی‌ای که رویدادهای به‌دست‌آمده از آن‌ها انجام می‌دهد به تئوری جامع و کاملی در آن خصوص دست یابد. از این رو شیوه نمونه‌گیری جهت‌دار است و مشارکت‌کنندگانی به‌عنوان نمونه از جامعه انتخاب می‌شوند که از تخصص بیشتری در زمینه تحقیق برخوردار باشند. در نمونه‌گیری سعی شد به سراغ افرادی برویم که از تخصص، تجربه، تبحر و سابقه علمی و پژوهشی بیشتری در این زمینه برخوردار باشند. در انتخاب نمونه‌ها علاوه بر توجه به معیارهای فوق، فاکتور در دسترس بودن نیز در انتخاب نمونه از بین جامعه دخیل بود.

جامعه آماری پژوهش حاضر را کارشناسان حوزه سیاسی-امنیتی تشکیل داده‌اند. در این روش خبرگان و متخصصان، تئوریسین‌های کارآمدی هستند که در ایجاد، اصلاح و پالایش مدل مشارکت می‌کنند. لذا برای دستیابی به چنین خبرگانی، طی بررسی‌های دقیق و مفصل جامعه‌ی آماری از میان اساتید و خبرگان دانشگاه صنعتی مالک اشتر، سازمان پدافند غیرعامل کشور، دانشکده علوم و فنون فارابی، دانشگاه امام باقر (ع)، دانشگاه امام حسین (ع)، دانشگاه آزاد واحد تهران شمال و دانشگاه عالی دفاع ملی تعیین شد.

۳-۳- روش تحلیل تأثیر متقابل

در پیش‌بینی وقوع یک رویداد علاوه بر احتمالات ابتدایی قضاوت شده، روابط علی‌ای نیز بین وقوع رویدادها وجود دارد که عدم توجه به آن توسط محقق، بخشی از اطلاعات مهم و تأثیرگذار در تصمیم‌سازی را نادیده می‌گیرد؛ بنابراین لازم است علاوه بر تبیین وقوع اولیه احتمال رویدادها و شناسایی نیروهای پیشران و روندها، میزان تأثیر متقابل یا ماتریس متقاطع از الگوی روش‌شناختی



شکل ۴- وقایع شرطی ارتباطی دو رویداد

ارتباط تقویت‌کننده بین دو رویداد (الف) و (ب)	نوع رابطه: توانمندسازی	با وقوع رویداد (الف) وقوع رویداد (ب) ممکن و عملی‌تر می‌شود.
	نوع رابطه: ارتقاء دهنده	در صورت وقوع رویداد (الف) اگر رویداد (ب) اتفاق بیافتد، رویداد (الف) مؤثرتر خواهد بود.
ارتباط متوقف‌کننده بین دو رویداد (الف) و (ب)	نوع رابطه: بی‌ارزش	با وقوع رویداد (الف) وقوع رویداد (ب) غیرممکن و غیرعملی‌تر می‌شود.
	نوع رابطه: مخالفت آمیز	در صورت وقوع رویداد (الف) اگر رویداد (ب) اتفاق نیفتد، رویداد (الف) مؤثرتر خواهد بود.

شکل ۵- تنوع ارتباط بین دو رویداد [۲۰]

ثابت پیروی نماید (حاجیانی، ۱۳۹۱، ۱۲۵)، لیکن الگوهای مختلف روش تحلیل اثرات متقابل، این تکنیک را به‌عنوان یک روش نامحدود برای تحلیل نتایج اکتشافی تبدیل کرده است و با ارزیابی مقاطع رویدادها و نیروهای پیشران و پیش‌بینی آن‌ها، نه تنها می‌تواند وقوع رویدادها و پیشران‌ها را به‌تنهایی مورد ارزیابی قرار دهد، بلکه می‌توان تأثیر متقابل آن‌ها بر هم و به‌تبع آن تدابیر متفاوت منتج از تأثیرات مقاطع را کشف نمود. حتی در بعضی از موارد، تحلیل و بررسی و تفکر درباره وقوع یک رویداد به‌موجب تأثیرات متقابل و دیگر رویدادها ساده‌تر از فکر کردن به‌احتمال وقوع آن رویداد صرف‌نظر از تأثیرات متقابل سایر رویدادها است.

اگرچه الگوهای مختلفی برای اجرای این روش وجود دارد لیکن تمامی آن‌ها سه نوع ارتباط را بین رویدادها و یا نیروهای پیشران می‌توان تعریف نمود. فرض کنیم رویداد (الف) واقع خواهد شد و رویداد (ب) نیز به موازات رویداد (الف) محتمل است در این صورت:

در شکل ۵ حالت تعاملی ۲ تقویت‌کننده و حالت ۳ متوقف‌کننده است و این دو حالت ارتباط بین رویداد (الف) و (ب) را بازگو می‌کنند.

برای نخستین بار تئودور گوردون و هلمر، روش تحلیل تأثیر متقابل را در سال ۱۹۶۶ ابداع کردند. یکی از دلایل خلق این روش پاسخ به این سؤال ساده بود که: آیا پیش‌بینی رویدادهای آینده می‌تواند مبتنی بر تأثیرات احتمالی و متقابل اتفاقات و رویدادهای در آن زمان باشد؟ در این روش با استفاده از بررسی شرایط ابتدایی، رخدادها شرطی (A B) و عدم رخدادها شرطی (A BC) بر اساس تأثیرات متقابل رویدادها تعریف نمود (سلمانی و دیگران، ۱۳۹۵، ۴).

تأثیرات متقابل روشی برای تحلیل احتمال وقوع این موضوع می‌تواند با قضاوت‌هایی درباره قابلیت بالقوه تأثیر متقابل میان موضوع‌های مورد پیش‌بینی تنظیم شود. می‌توان گفت که برخی از رخدادها احتمال وقوع رخدادها دیگر را کمتر یا بیشتر می‌کند. حتی بسیاری از اتفاقات ظاهراً متفاوت و بی‌ربط،

رخدادها و پیشرفت‌های فوق‌العاده‌ای را سبب می‌شوند؛ زیرا آن‌ها رخداد‌های دیگری را موجب می‌شوند و رخداد‌های جدید وقایع دیگری را به دنبال دارند و همین‌طور دامنه تأثیرات هر لحظه گسترده‌تر می‌شود و بر دیگر اتفاقات و پیشرفت‌ها تأثیر می‌گذارند. این ارتباط میان رخدادها را تأثیر متقابل می‌نامند.

نخستین گام در تحلیل تأثیرات متقابل این است که رخداد‌های مطالعه مورد نظر معلوم شوند. این‌گاه می‌تواند در موفقیت و پیشبرد مطالعه بسیار مفید باشد. البته بدیهی است که آن گروه از عواملی که ارتباطی به مجموعه رخدادها ندارد، باید به‌طور کلی از دور مطالعه خارج شوند. چرا که در نظر گرفتن رخداد‌های بی‌ربط می‌تواند تحلیل را بی‌دلیل دشوار کند.

اگر n رخداد مورد مطالعه باشند، تعداد $n-2$ برهم‌کنش باید مورد مطالعه قرار گیرد. با رشد تعداد رخدادها، تعداد برهم‌کنش‌ها با سرعت خیلی بیشتری رشد می‌کند. بیشتر مطالعات حدوداً شامل ۱۰ الی ۴۰ رخداد هستند. اگر رخدادها از هم مستقل باشند، تحلیل راحت‌تر انجام می‌پذیرد؛ بنابراین در ابتدا مجموعه رخدادها تعیین می‌شوند.

گام بعدی، تخمین احتمالات ابتدایی هر رخداد است. این احتمالات بیانگر شانس وقوع هر یک از رخدادها تا سال‌های آتی است. در کاربردهای ابتدایی این روش و در بعضی از کاربردهای اخیر آن، احتمال هر رخدادی با این فرض محاسبه می‌شود که دیگر رخدادها اتفاق نیفتاده باشند و به این‌وسیله احتمالی وقوع یک رخداد به دست می‌آید.

گام بعدی در تحلیل تأثیرات متقابل، برآورد احتمالات شرایط است. به‌طور مثال اگر m اتفاق رخ بدهد احتمال جدید رخداد n چقدر است؟ بنابراین، در صورتی که احتمال رخداد n به‌طور عمومی ۵۰٪ تخمین زده‌شده باشد، اگر m روی بدهد این احتمالی ممکن است به ۷۵٪ برسد. کل ماتریس تأثیرات متقابل با پاسخ این سؤال درباره هر زوج مرتبی از رخدادها پر می‌شوند.

وقتی که احتمالات ابتدایی بدون فرض مستقل بودن رویدادها برآورد شدند. برخی اطلاعات ضمنی نیز به تخمین ماتریس تأثیرات متقابل وارد می‌شود. برای ترکیب هر رخداد در احتمالات شرطی، محدودیت‌هایی فرض و اعمال می‌شود [۲۱].

۴- تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این بخش به‌منظور تدوین مدل برگشت‌پذیری سیاسی، ابتدا شاخص‌های برگشت‌پذیری سیاسی احصاء شده از منابع علمی به‌عنوان مبنای تحلیل برای تدوین مدل مورد استفاده قرار می‌گیرد. این شاخص‌ها در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

۴-۱- وزن دهی شاخص‌های احصاء شده برگشت‌پذیری سیاسی

پس از تعیین شاخص‌های برگشت‌پذیری و دسته‌بندی آن بر اساس روش تحلیل عاملی، در این بخش به وزن دهی شاخص‌ها پرداخته می‌شود. وزن دهی به شاخص‌ها یکی از گام‌های مهم در مسائل تصمیم‌گیری است، چراکه میزان تأثیر شاخص‌ها بر یک پدیده یا رویداد به یک اندازه و میزان نیست. در وزن‌دهی مشخص می‌شود که اهمیت معیارهای پژوهش از دید پاسخ‌دهندگان به چه میزان است و ضریب تأثیر آن بر سایر متغیرها چقدر است. به‌منظور تعیین وزن شاخص‌ها روش‌های متعددی وجود دارد. در این پژوهش با توجه به پیچیدگی و وجود روابط بین متغیرها، از روش تحلیل تأثیر متقابل استفاده می‌شود.

جدول ۱- شاخص‌های برگشت‌پذیری سیاسی در برابر پیامدهای حملات تروریستی [۲۲]

ظرفیت	شاخص
جذب	علاقه فرد تروریست به ایجاد تغییر، رفع ظلم (تلاش تروریست برای رفع ظلم حاکم بر خود و هم‌گروهان)، جلب توجه دیگران و معطوف کردن نظر دیگران به خود، ناعادلانه بودن مناسبات سیاسی - اجتماعی (باور تروریست بر ناعادلانه بودن مناسبات)، اعتقاد به وجود محرومیت نسبی (اعتقاد تروریست به شکاف بین توقعات خود و واقعیت موجود)، منازعات سیاسی گروه تروریستی با نظام حاکم، استفاده ابزاری از مذهب، تولید هویت (ایجاد هویت جدید در جامعه)، جنگ‌وگریز هویتی (تلاش گروه تروریستی برای محافظت از هویت خود یا باید به جنگ دشمنان احتمالی بروند و یا از مقابل آن‌ها فرار کنند)، ایجاد وابستگی ذهنی (که گروه را به سمت اطاعت از یک رهبر مقتدر متمایل می‌گرداند)، تأثیرات ایدئولوژی‌های سخت‌گیرانه مبارزه جوی، روحیه قدرت‌طلبی.
تطبیق	پذیرش ارزش فرهنگی جمع‌گرایی (مقدم دانستن فرهنگ گروه بر فرهنگ شخصی توسط تروریست)، مطلق‌گرایی مذهبی (برتری دانستن خود بر دیگران از نظر مذهبی توسط فرد تروریست)، القاء همانندسازی درون‌گروهی (فاصله گرفتن از نهادهای رسمی و تمایل به گروه‌های غیررسمی توسط فرد تروریست)، ایجاد دوگانگی شخصیت (تلاش برای رسوخ ایدئولوژی‌های سخت‌گیرانه مبارزه گروه تروریستی در جان اعضا)، تغییر وضع موجود، دستیابی به اهداف سیاسی، ایجاد حس انتقام‌گیری، ایجاد حس عدم امنیت، احساس حق جنگ پیشگیرانه را در مقابل تروریسم، احساس عدم امنیت در افراد جوامع.
احیاء	عدم سازگاری با تاریخ و هویت سایر اقوام تحت حاکمیت، تضعیف اعتمادبه‌نفس در افراد جوامع، رضایت سیاسی (میزان احساس راحتی نسبت به نهادهای سیاسی)، اعتماد سیاسی (اعتماد به نخبگان سیاسی و نظام سیاسی)، توانایی سیاسی (مهارت‌های سیاسی نظام و نخبگان سیاسی)، اثربخشی درونی (باور به میزان تأثیرگذاری بر نهادهای سیاسی)، اثربخشی بیرونی (رعایت حقوق شهروندان، توجه به آراء و عقاید افراد جامعه از طرف نظام سیاسی)، وظیفه مدنی (تکلیف و مسئولیت مدنی نظام سیاسی)، تأثیر ساختار سیاسی حاکمیتی (دولت، مجلس و...) و غیر حاکمیتی (احزاب، گروه‌های سیاسی...).

۴-۲- ماتریس تأثیرات مستقیم

در ابتدا ماتریس تأثیرات مستقیم (MDI) بر اساس میانگین‌های حاصل از پرسشنامه تشکیل شد تا بتوان نتایج حاصل از تأثیرات متقابل، نمودارها و نقشه‌های گرافیکی مرتبط با آن را به دست آورد.

تحلیل اولیه داده‌های ماتریس و تأثیرات متقاطع نشان‌دهنده آن است که با توجه به ابعاد ماتریس، در مجموع ۹۶۱ گزینه برای ماتریس وجود دارد که از این تعداد، ۴۷۸ خانه ماتریس صفر بوده، یعنی شاخص‌ها بر همدیگر تأثیر نداشته یا از همدیگر تأثیر نپذیرفته‌اند که این تعداد نزدیک به ۴۹/۷٪ کل حجم ماتریس را به خود اختصاص داده است.

از سوی دیگر، ۲۰۹ خانه یک، ۲۰۲ خانه دو و ۷۲ خانه ماتریس عدد سه است که در مجموع شامل ۴۸۳ خانه از خانه‌های ماتریس را به خود

اختصاص داده‌اند. درجه پرشدگی ماتریس

۵۰/۲۶٪ است که حاکی از آن است که حدود ۵۰٪ از شاخص‌ها بر همدیگر تأثیر داشته‌اند.

از مجموع ۹۶۱ عدد در ماتریس، ۴۸۳ رابطه قابل ارزیابی در ماتریس است. علاوه بر این، ماتریس بر اساس شاخص آماری با دو بار چرخش داده‌ای از مطلوبیت و بهینه‌شدگی ۱۰۰٪ برخوردار بوده است که این موضوع نیز روایی بالایی پرسشنامه و پاسخ‌های آن را نشان می‌دهد (جدول شماره ۲).

در ماتریس متقاطع، جمع اعداد سطرهای هر عامل میزان تأثیرگذاری و جمع ستونی نیز میزان تأثیرپذیری آن عامل از عوامل دیگری را نشان می‌دهد. با یک روش ساده می‌توان دریافت که تأثیر شاخص‌ها با در نظر گرفتن تعداد گروه‌های ارتباطی در ماتریس تشکیل شده، قابل‌سنجش است. متغیر یا شاخصی که بر تعداد محدودی از

۱۶۹

شماره ۲۳

بهار و تابستان ۱۴۰۲

دوفصلنامه

علمی و پژوهشی



راشه مدل برگشت‌پذیری سیاسی در برابر پیامدهای سیاسی ناشی از حملات تروریستی (مطالعه موردی ... / مهدی نوری

جدول ۲- تحلیل اولیه داده‌های ماتریس و آماره‌های آن [۲۳]

ابعاد ماتریس	تعداد تکرار	بدون تأثیر (۰)	تأثیر ضعیف (۱)	تأثیر میانه (۲)	تأثیر قوی (۳)	جمع	درجه پربش‌دگی
۳۱*۳۱	۲	۴۷۸	۲۰۹	۲۰۲	۷۲	۴۸۳	٪۵۰/۲۶

جدول ۳- تأثیرات مستقیم شاخص‌ها بر همدیگر [۲۵]

ردیف	شاخص	برحسب	ظرفیت	تأثیرگذاری	تأثیرپذیری
۱	رفع ظلم (تلاش تروریست برای رفع ظلم حاکم بر خود و هم‌گروهان)	رفع ظلم	جذب	۴۹۴	۱۴۴
۲	علاقه فرد تروریست به ایجاد تغییر	علاقه فرد	جذب	۴۸۲	۳۸۶
۳	توانایی سیاسی (مهارت‌های سیاسی نظام و نخبگان سیاسی)	توا. سیاسی	جذب	۴۳۴	۳۶۱
۴	اعتقاد به وجود محرومیت نسبی (اعتقاد تروریست به شکاف بین توقعات خود و واقعیت موجود)	محرومیت نس	جذب	۴۲۲	۲۰۵
۵	پذیرش ارزش فرهنگی جمع‌گرایی (مقدم دانستن فرهنگ گروه بر فرهنگ شخصی توسط تروریست)	جمع‌گرایی	تطبیق	۴۱۰	۲۸۶
۶	وظیفه مدنی (تکلیف و مسئولیت مدنی نظام سیاسی)	وظیفه مدنی	احیاء	۳۹۸	۳۶۱
۷	ناعادلانه بودن مناسبات سیاسی - اجتماعی (باور تروریست بر ناعادلانه بودن مناسبات)	ناعادلانه	جذب	۳۸۶	۱۲۰
۸	تأثیرات ایدئولوژی‌های سخت‌گیرانه مبارزه جوی	ایدئولوژی	جذب	۳۸۶	۲۲۹
۹	روحیه قدرت‌طلبی	قدرت‌طلبی	جذب	۳۶۱	۲۵۳
۱۰	تغییر وضع موجود	تغییر	تطبیق	۳۴۹	۴۲۲
۱۱	دستیابی به اهداف سیاسی	هدف سیاسی	تطبیق	۳۴۹	۴۸۲
۱۲	رضایت سیاسی (میزان احساس راحتی نسبت به نهادهای سیاسی)	رضایت	احیاء	۳۴۹	۳۶۱
۱۳	اثربخشی بیرونی (رعایت حقوق شهروندان، توجه به آراء و عقاید افراد جامعه از طرف نظام سیاسی)	اثر بیرونی	احیاء	۳۳۷	۴۱۰
۱۴	ایجاد دوگانگی شخصیت (تلاش برای رسوخ ایدئولوژی‌های سخت‌گیران مبارزه گروه تروریستی در جان اعضا)	دوگانگی	تطبیق	۳۲۵	۳۱۳
۱۵	احساس عدم امنیت در افراد جوامع	اع. امنیت	تطبیق	۳۲۵	۳۹۸
۱۶	تأثیر ساختار سیاسی حاکمیتی (دولت، مجلس و...) و غیر حاکمیتی (احزاب، گروه‌های سیاسی...)	ساختار	احیاء	۳۲۵	۴۷۰
۱۷	منازعات سیاسی گروه تروریستی با نظام حاکم	منازعات	جذب	۳۱۳	۳۸۶
۱۸	اعتماد سیاسی (اعتماد به نخبگان سیاسی و نظام سیاسی)	اعتماد	احیاء	۳۱۳	۳۲۵
۱۹	مطلق‌گرایی مذهبی (برتری دانستن خود بر دیگران از نظر مذهبی توسط فرد تروریست)	مطلق‌گرایی	تطبیق	۳۰۱	۲۶۵
۲۰	استفاده ابزاری از مذهب	استفاده اب	جذب	۲۸۹	۳۳۷
۲۱	تولید هویت (ایجاد هویت جدید در جامعه)	تولید هویت	جذب	۲۸۹	۳۶۱

شماره ۶ موقعیت شاخص‌های مورد ارزیابی را در تحلیل تأثیرات مستقیم نشان می‌دهد. بر اساس مواردی که پیش‌تر اشاره شد، وضعیت شاخص‌ها بر اساس جدول شماره ۴ است. در نهایت بر اساس شکل شماره ۷ نمایشی گرافیکی از شاخص‌های مورد مطالعه را نمایش می‌دهد. در این شکل تأثیرات مستقیم شاخص‌ها بر سایر شاخص‌های سیستم مشخص شده است. چگونگی تأثیرگذاری شاخص‌ها به صورت ضعیف ترین تأثیرات، تأثیرات ضعیف، تأثیرات میانه، تأثیرات قوی و قوی‌ترین تأثیرات قابل مشاهده است.

جدول ۴. وضعیت شاخص‌های برگشت‌پذیری سیاسی [۲۶]

شاخص‌ها	وضعیت
شاخص	بر حسب
ناعادلانانه بودن مناسبات سیاسی - اجتماعی (باور تروریست بر ناعادلانه بودن مناسبات)	ناعادلانانه
رفع ظلم (تلاش تروریست برای رفع ظلم حاکم بر خود و هم‌گروهان)	رفع ظلم
اعتقاد به وجود محرومیت نسبی (اعتقاد تروریست به شکاف بین توقعات خود و واقعیت موجود)	محرومیت نسبی
تأثیرات ایدئولوژی‌های سخت‌گیرانه مبارزه جوی	ایدئولوژی
روحیه قدرت‌طلبی	قدرت‌طلبی
پذیرش ارزش فرهنگی جمع‌گرایی (مقدم دانستن فرهنگ گروه بر فرهنگ شخصی توسط تروریست)	جمع‌گرایی
علاقه فرد تروریست به ایجاد تغییر	علاقه فرد
توانایی سیاسی (مهارت‌های سیاسی نظام و نخبگان سیاسی)	توا. سیاسی
وظیفه مدنی (تکلیف و مسئولیت مدنی نظام سیاسی)	وظیفه مدنی
رضایت سیاسی (میزان احساس راحتی نسبت به نهادهای سیاسی)	رضایت
دستیابی به اهداف سیاسی	هدف سیاسی
تأثیر ساختار سیاسی حاکمیتی (دولت، مجلس و...) و غیر حاکمیتی (احزاب، گروه‌های سیاسی...)	ساختار
تغییر وضع موجود	تغییر
اثر بخشی بیرونی (رعایت حقوق شهروندان، توجه به آراء و عقاید افراد جامعه از طرف نظام سیاسی)	اثر بیرونی
احساس عدم امنیت در افراد جوامع	اع امنیت
منازعات سیاسی گروه تروریستی با نظام حاکم	منازعات
اعتماد سیاسی (اعتماد به نخبگان سیاسی و نظام سیاسی)	اع. سیاسی
تولید هویت (ایجاد هویت جدید در جامعه)	تولید هویت
احساس حق جنگ پیشگیرانه را در مقابل تروریسم	جنگ پیشگیر
اثر بخشی درونی (باور به میزان تأثیرگذاری بر نهادهای سیاسی)	اثر درونی
استفاده ابزاری از مذهب	استفاده اب
تضعیف اعتماد به نفس در افراد جوامع	تضعیف اع
عدم سازگاری با تاریخ و هویت سایر اقوام تحت حاکمیت	عدم سازگاری

شاخص‌های
تأثیرگذار

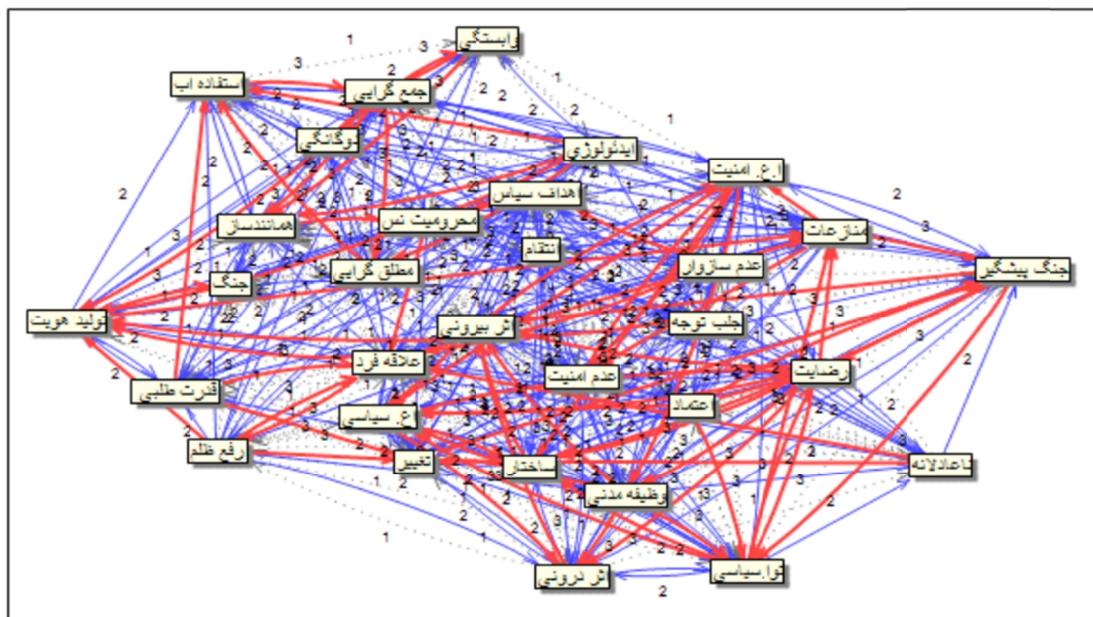
شاخص‌های
دووجهی

شاخص‌های
ریسک

شاخص‌های
هدف

شاخص‌های
تأثیرپذیر

وضعیت	بر حسب	شاخص ها
هماندسازی	بر حسب شاخص	القاء همانندسازی درون گروهی (فاصله گرفتن از نهادهای رسمی و تمایل به گروه‌های غیررسمی توسط فرد تروریست)
عدم امنیت	ایجاد حس عدم امنیت	
انتقام	ایجاد حس انتقام‌گیری	
شاخص‌های مستقل	جنگ	جنگ و گریز هویتی (تلاش گروه تروریستی برای محافظت از هویت خود یا باید به جنگ دشمنان احتمالی بروند و یا از مقابل آن‌ها فرار کنند)
	وابستگی	ایجاد وابستگی ذهنی (که گروه را به سمت اطاعت از یک رهبر مقتدر متمایل می‌گرداند)
شاخص‌های اهرمی ثانویه	مطلق‌گرایی	مطلق‌گرایی مذهبی (برتری دانستن خود بر دیگران از نظر مذهبی توسط فرد تروریست)
	جلب توجه	جلب توجه دیگران و معطوف کردن نظر دیگران به خود
شاخص‌های تنظیمی	دوگانگی	ایجاد دوگانگی شخصیت (تلاش برای رسوخ ایدئولوژی‌های سخت‌گیران مبارزه گروه تروریستی در جان اعضا)



شکل ۷- تأثیرات مستقیم بین شاخص‌ها و روابط بین آن‌ها

شماره ۵ تأثیرات غیرمستقیم متغیرها و شاخص‌ها بر همدیگر ارائه می‌شود.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

تاکنون در حوزه برگشت‌پذیری، نگاه محققین معطوف بر مباحث فنی، شهری، اجتماعی و

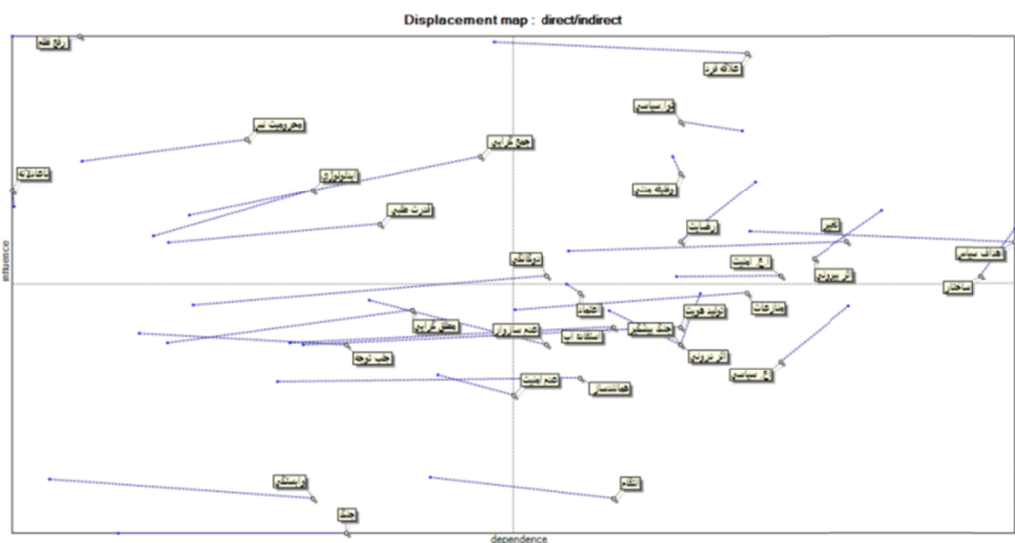
۳-۴- ماتریس تأثیرات غیرمستقیم

در ماتریس تأثیرات غیرمستقیم، هر یک از شاخص‌ها توسط نرم‌افزار به توان‌های ۲، ۳، ۴، ۵ و ... رسانده و بر این اساس، تأثیرات غیرمستقیم شاخص‌ها سنجیده می‌شود. بر اساس جدول

جدول ۵- تأثیرات غیرمستقیم شاخص‌ها بر همدیگر [۲۷]

ردیف	شاخص	برحسب	تأثیرگذاری غیرمستقیم	تأثیر پذیری غیرمستقیم
۱	رفع ظلم (تلاش تروریست برای رفع ظلم حاکم بر خود و هم‌گروهان)	رفع ظلم	۵۰۳	۱۵۱
۲	علاقه فرد تروریست به ایجاد تغییر	علاقه فرد	۴۹۸	۳۴۰
۳	توانایی سیاسی (مهارت‌های سیاسی نظام و نخبگان سیاسی)	توا. سیاسی	۴۳۱	۴۵۳
۴	وظیفه مدنی (تکلیف و مسئولیت مدنی نظام سیاسی)	وظیفه مدنی	۴۱۲	۳۶۷
۵	اعتقاد به وجود محرومیت نسبی (اعتقاد تروریست به شکاف بین توقعات خود و واقعیت موجود)	محرومیت نس	۴۰۸	۱۸۰
۶	رضایت سیاسی (میزان احساس رضایت نسبت به نهادهای سیاسی)	رضایت	۳۹۳	۴۵۸
۷	ناعادلانه بودن مناسبات سیاسی- اجتماعی (باور تروریست بر ناعادلانه بودن مناسبات)	ناعادلانه	۳۷۴	۱۵۲
۸	اثربخشی بیرونی (رعایت حقوق شهروندان، توجه به آراء و عقاید افراد جامعه از طرف نظام سیاسی)	اثر بیرونی	۳۷۱	۵۱۱
۹	پذیرش ارزش فرهنگی جمع‌گرایی (مقدم دانستن فرهنگ گروه بر فرهنگ شخصی توسط تروریست)	جمع‌گرایی	۳۶۷	۲۲۴
۱۰	تأثیر ساختار سیاسی حاکمیتی (دولت، مجلس و...) و غیر حاکمیتی (احزاب، گروه‌های سیاسی...)	ساختار	۳۵۷	۵۶۵
۱۱	دستیابی به اهداف سیاسی	اهداف سیاس	۳۵۵	۴۵۶
۱۲	تأثیرات ایدئولوژی‌های سخت‌گیرانه مبارزه جوی	ایدئولوژی	۳۵۱	۲۱۰
۱۳	روحیه قدرت‌طلبی	قدرت‌طلبی	۳۴۶	۲۱۶
۱۴	تغییر وضع موجود	تغییر	۳۴۰	۳۸۱
۱۵	ایجاد حس عدم امنیت	ا.ع. امنیت	۳۲۱	۴۲۶
۱۶	اعتماد سیاسی (اعتماد به نخبگان سیاسی و نظام سیاسی)	اعتماد	۳۱۵	۳۵۱
۱۷	اثربخشی درونی (باور به میزان تأثیرگذاری بر نهادهای سیاسی)	اثر درونی	۳۰۸	۴۳۶
۱۸	عدم سازگاری با تاریخ و هویت سایر اقوام تحت حاکمیت	عدم سازوار	۳۰۳	۲۹۹
۱۹	ایجاد دوگانگی شخصیت (تلاش برای رسوخ ایدئولوژی‌های سخت‌گیران مبارزه گروه تروریستی در جان اعضا)	دوگانگی	۳۰۰	۲۲۶
۲۰	اعتماد سیاسی (اعتماد به نخبگان سیاسی و نظام سیاسی)	اع. سیاسی	۲۹۹	۴۹۷
۲۱	منازعات سیاسی گروه تروریستی با نظام حاکم	منازعات	۲۹۶	۳۵۹
۲۲	احساس حق جنگ پیشگیرانه را در مقابل تروریسم	جنگ پیشگیر	۲۹۵	۳۹۸
۲۳	جلب توجه دیگران و معطوف کردن نظر دیگران به خود	جلب توجه	۲۷۸	

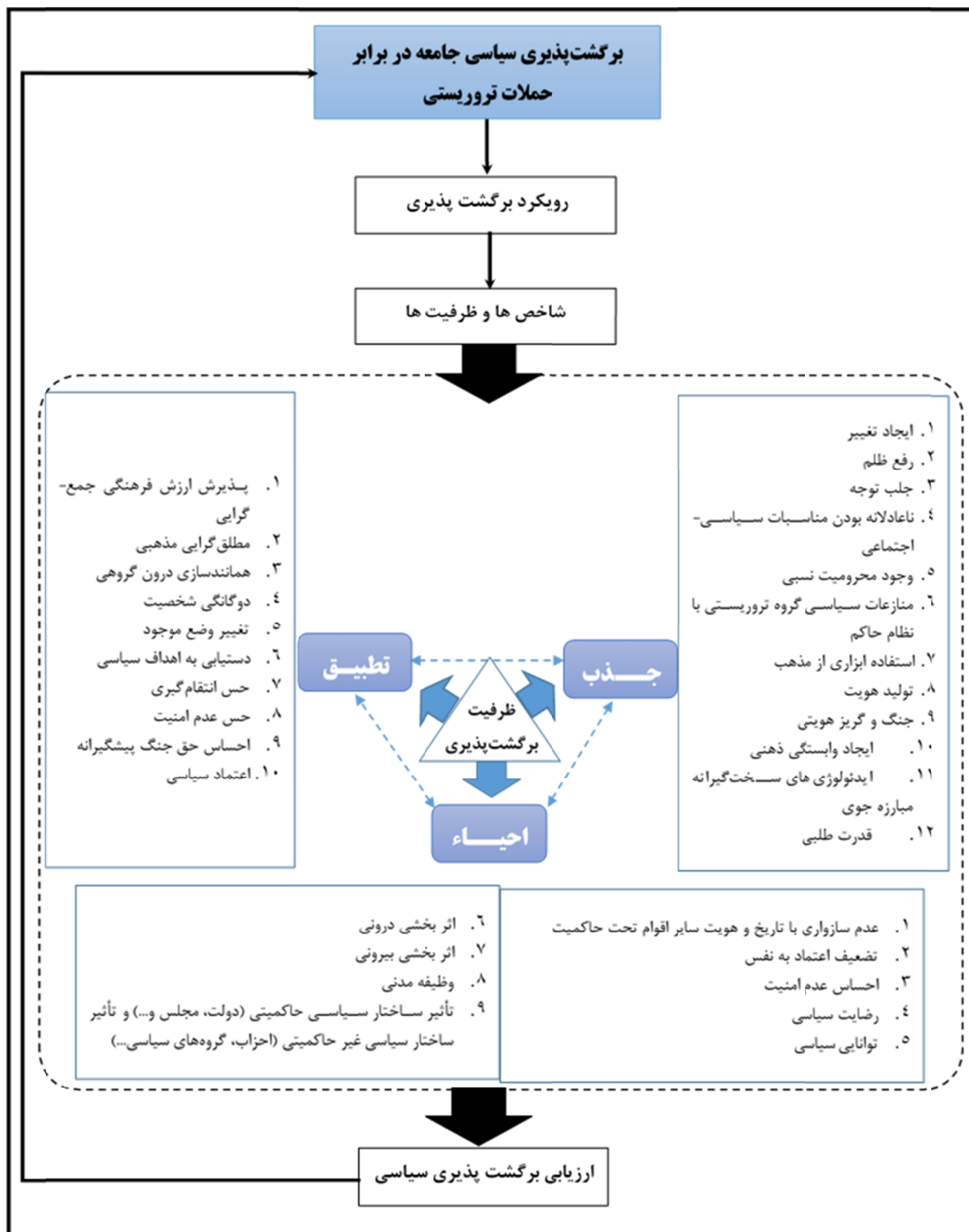
ردیف	شاخص	بر حسب	تأثیرگذاری غیرمستقیم	تأثیرپذیری غیرمستقیم
۲۴	استفاده ابزاری از مذهب	استفاده اب	۲۷۱	۲۶۶
۲۵	مطلق‌گرایی مذهبی (برتری دانستن خود بر دیگران از نظر مذهبی توسط فرد تروریست)	مطلق‌گرایی	۲۷۱	۲۱۶
۲۶	تولید هویت (ایجاد هویت جدید در جامعه)	تولید هویت	۲۶۹	۲۷۲
۲۷	ایجاد حس عدم امنیت	عدم امنیت	۲۴۶	۳۲۷
۲۸	القاء همانندسازی درون‌گروهی (فاصله گرفتن از نهادهای رسمی و تمایل به گروه‌های غیررسمی توسط فرد تروریست)	هماندساز	۲۴۱	۲۶۱
۲۹	ایجاد حس انتقام‌گیری	انتقام	۱۶۹	۳۲۴
۳۰	ایجاد وابستگی ذهنی (که گروه را به سمت اطاعت از یک رهبر مقتدر متمایل می‌گرداند)	وابستگی	۱۶۸	۱۶۷
۳۱	جنگ‌وگریز هویتی (تلاش گروه تروریستی برای محافظت از هویت خود یا باید به جنگ دشمنان احتمالی بروند و یا از مقابل آن‌ها فرار کنند)	جنگ	۱۲۷	۱۹۵



شکل ۸- پراکندگی شاخص‌ها و جایگاه آن‌ها در محور تأثیرگذاری - تأثیرپذیری ماتریس تأثیرات غیرمستقیم

اقتصادی بوده است. فقدان توجه به موضوع برگشت‌پذیری سیاسی محققان این پژوهش را بر آن داشت تا به این موضوع بپردازند. بر همین اساس با استفاده از مدل کثرت‌گرایی روش‌شناختی انتگرال، عوامل مؤثر بر اساس متون تخصصی و با توجه به چهار چارک اصلی در روش انتگرال‌شناسایی شد. سپس با

مراجعه به جامعه خبرگان و با استفاده از روش پرسشنامه شاخص‌هایی که مورد توجه جامعه مخاطب بود شناسایی شد. از آنجاکه رویکرد اصلی این تحقیق برگشت‌پذیری است، لذا شاخص‌ها با استفاده از مدل تحلیل عاملی تأییدی در سه عامل اصلی رویکرد برگشت‌پذیری (جذب، تطبیق، احیاء) مورد بررسی از نظر همان جامعه مخاطب



شکل ۹- مدل برگشت پذیری سیاسی در برابر تهدیدات تروریستی [۲۸]

تحلیل اثر متقابل سعی شد وزن و اهمیت هر شاخص در ظرفیت مشخص شود. پس از تحلیل پرسشنامه در نرم افزار میک مک، مدل نهایی تحقیق تدوین شد. در شکل شماره ۹ مدل برگشت پذیری سیاسی در برابر تهدیدات تروریستی ارائه شده است.

قرار گرفت. نتیجه تحقیق بیانگر آن است که از ۳۱ شاخص احصاء شده، ۱۲ شاخص مرتبط با ظرفیت جذب، ۱۰ شاخص مرتبط با ظرفیت تطبيق و ۹ شاخص مرتبط با ظرفیت احیاء است. با استفاده از این شاخص ها مجدداً به آراء خبرگان مراجعه شد. در این مرحله با استفاده از روش

۶- منابع

14. Jordan, E., Javernick-Will A., Amadei, B., (2011), "Pathways to communicate recovery and resiliency", Proceedings of the engineering project organizations conference, Colorado, USA
15. Paton, D., Johnston, D., (2001), "Disasters and Communities: Vulnerability, Resilience and Preparedness", Disaster Prevention and Management, 10: 270-77
16. Nekooie, Mohammad Ali and Nouri, Mehdi (2015), " A Model of Sustainability-Resilience Index (SRI) for Amphibious Urbanization", the world's first International Conference on Amphibious Architecture, Design and Engineering (ICAADE 2015)
- ۱۷- رفیعیان، مجتبی و دیگران. تبیین مفهومی تاب‌آوری و شاخص سازی آن در مدیریت سوانح اجتماع محور، نشریه برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره پانزدهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۰، ص ۴۱.
- ۱۸- فتح‌الهی، فؤاد. طراحی ساختار مفهومی و برگشت‌پذیری اقتصادی در بستر اقتصاد مقاومتی و حوزه‌های پدافندی، مجتمع دانشگاهی پدافند غیرعامل دانشگاه صنعتی مالک اشتر، تهران، ۱۳۹۳، ۸۹.
- ۱۹- گلوردی، مهدی. تاب‌آوری ملی: مروری بر ادبیات تحقیق، فصلنامه راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۷، شماره ۲۵، زمستان ۹۶، ص ۲۹۷.
- ۲۰- پرتوی، پروین و دیگران. طراحی شهری و تاب‌آوری اجتماعی (بررسی موردی: محله جلفا اصفهان)، دو فصلنامه دانشگاه هنر، شماره ۱۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، ص ۱۰۲.
- ۲۱- مبلغی، عبدالمجید و محمدی کیا، طیبه. روان‌شناسی اجتماعی تروریسم و نسبت آن با امنیت. فصلنامه علمی- پژوهشی آفاق امنیت، سال ششم، شماره ۲۱، زمستان ۱۳۹۲، ص ۶۳.
- ۲۲- نگارندگان.
- ۲۳- نقره‌کار، عبدالحمید و دیگران، مدل‌سازی؛ روشی مفید برای پژوهش‌های میان‌رشته‌ای، نشریه علمی- پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۹.
- ۲۴- میرز، لاورنس اس، گامست، گلن و گارینو، ا. جی. پژوهش چند متغیری کاربردی. (مترجمان: حسن پاشا شریفی، سمین دخت رضاخانی، حمیدرضا حسن‌آبادی، بلال ایزانلو و مجتبی حبیبی). انتشارات رشد. چاپ دوم، تهران: ۱۳۹۱، ص ۷۴.
1. Adger, W.N., (2000), "Social and Ecological Resilience: Are They Related?", Progress in Human Geography, 24(3): 247-364
2. Jordan, E., Javernick-Will A., Amadei, B., (2011), "Pathways to communicate recovery and resiliency", Proceedings of the engineering project organizations conference, Colorado, USA
- ۳- مبلغی، عبدالمجید و محمدی کیا، طیبه. روان‌شناسی اجتماعی تروریسم و نسبت آن با امنیت. فصلنامه علمی- پژوهشی آفاق امنیت، سال ششم، شماره ۲۱، زمستان ۱۳۹۲.
- ۴- رفیعیان، مجتبی و دیگران. تبیین مفهومی تاب‌آوری و شاخص سازی آن در مدیریت سوانح اجتماع محور، نشریه برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره پانزدهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۰، صص ۱۹-۴۱.
- ۵- همان، ص ۵.
- ۶- یزدانی نسب، محمد و نوری، مهدی. آسیب‌پذیری اجتماعی شهرها در بحران‌های ناشی از جنگ و حملات تروریستی و ارائه راهکارهای کاهش آن، مجتمع دانشگاهی پدافند غیرعامل دانشگاه صنعتی مالک اشتر، تهران، ۱۳۹۵.
- ۷- فوس، کلینت. به سوی معرفت‌شناسی انتگرال. ترجمه مجید گل‌پرور، تهران، صفحه ۲۱.
- ۸- متقی، ابراهیم و ظهیری، صمد. تروریسم و جنبش‌های اجتماعی-سیاسی جدید، فصلنامه سیاست، دوره ۳۹، شماره ۱، بهار ۱۳۹۹.
- ۹- بهاری، بهنام و بخشی شیخ احمد، مهدی (۱۳۸۸). چیستی تروریسم جدید و ویژگی‌های آن. دو فصلنامه پژوهش سیاست، سال یازدهم، شماره ۲۷، پاییز و زمستان.
10. Cutter, S., et al., (2003), "Social Vulnerability to Environmental Hazards, Social Science Quarterly, 84(2): 189.
- ۱۱- ساعی، احمد و معصومی، مجید. استراتژی تروریسم، امنیت دولت و امنیت فردی، فصلنامه دانشنامه، ۱۳۹۰.
- ۱۲- ساعی، احمد و معصومی، مجید. تأثیر تروریسم بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۰.
- ۱۳- گرجی، ابراهیم و برخوردار، سجاد (۱۳۸۸). مبانی روش تحقیق در علوم اجتماعی. انتشارات ثالث، تهران.

۱۷۷

شماره ۲۳

بهار و تابستان ۱۴۰۲

دوفصلنامه

علمی و پژوهشی

